

اسلام و حقوق طبیعی

فلاسفه و حقوق‌دانان، حقوق انسان را بدو قسمت تقسیم کرده‌اند:

① حقوق موضوعه

② حقوق طبیعی

دلود الهامی

حقوق فطری انجمن با سرشت انسان آمیخته است که هیچ عاملی نمی‌تواند آن را جدا، یا به دیگران منتقل سازد.

از مقدمه بالا می‌توان نتیجه گرفت که:

میزان و معیار عادلانه و یا ظالمانه بودن هر قانون بسته به این است که در آن چه مقدار به حقوق طبیعی توجه شده است.

فلاسفه و حقوق‌دانان چهار اصل را به عنوان اصول اساسی حقوق طبیعی نامیده‌اند و عقیده دارند در هر قانون که به این اصول بیشتر توجه شود از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود و این چهار اصل عبارتند از:

۱- حق حیات

۲- حق زیستن بصورت موجودی که دارای

عقل و مشاعر است.

۳- حق آزادی

۴- حق تساوی

حق حیات

نخستین حق طبیعی انسان حق حیات است. اگر در جهان قانونی هم نباشد باز هم این حق در جهان وجود دارد و هیچکس حق ندارد که این حق فطری و طبیعی را از کسی سلب کند و این حق خود منشاء حقوق دیگری هم هست که از آن جمله

لنگ و زنی بزند

حقوق موضوعه، به حقوقی گفته می‌شود که عقل به خودی خود به آنها توجه پیدا نمی‌کند و یک سلسله قواعدی است که ریشه فطری در نهاد انسان ندارد و از طرف قانونگذار وضع، و به اشخاص تحمیل می‌شود و لذا این نوع حقوق، دائمی و پایدار نیست.

برعکس، حقوق طبیعی، مجموعه قواعدی است که عقل خود به خود بدون توجه به هرگونه قانون خارجی به آن حکم می‌کند به تعبیر دیگر، حقوق طبیعی یک سلسله اصولی است که عقل آنها را موافق طبیعت اجتماعی انسان می‌داند و این دسته از قواعد، پیش از تسلط و نفوذ هر قانونی، بحکم فطرت و به مقتضای طبیعت هر زندگی مردم نافذ و مسلط می‌باشد. بنابر این، اصول، مطلوب فطرت و مربوط به گهر سرشت انسان است و لذا در هر شریعت و قانونی که به این اصول توجه نشود یا ظالمانه است یا ناقص.

و هر شریعت و قانونی که این اصول را بیشتر مورد توجه و عنایت قرار دهد، قانون محکم و عادلانه است. پس منبع حقوق فطری، خود انسان است. عقل انسان نه تنها در همه حال به قواعد حقوق فطری حکم می‌کند، بلکه این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اوست.

حق دفاع از جان است و به موجب این حق هر کس قصد جان دیگری کند شخص مورد تجاوز حق دارد از جان خود دفاع کند و اگر شخص تجاوز در این گیرودار گشته شود، شخص مدافع که جز کشتن مهاجم تجاوز راه نجاتی نداشته است، هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت. و نیز از نتایج این اصل اینست که هیچکس حق ندارد که بهیچ دلیلی خودکشی کند و یا عضوی از اعضاء خود را ناقص یا بکلی از کار بستاند.

آری حقوق فطری جزء لاینفک جزئی شخصیت بشر است. تاریخ آن تاریخ بشریت است. انسان و حقوق فطری انسان موضوع اصلی همه ادیان آسمانی بویژه اسلام است. اسلام در تنظیم احکام و مقررات، «انسان طبیعی» و «انسان فطری» را در نظر گرفته است و نیازمنتهای اصیل و حقوق فطری انسانی، محور و مدار قانونگذاری اسلام است. و لذا در خصوص «حق حیات» که نخستین حق طبیعی و فطری هر انسانی است، مشاهده می شود که دین اسلام برای آن بیش از هر قانون و آئین دیگر، اهمیت و ارزش قائل شده است.

قرآن مجید قتل نفس را بدون مجوز قانونی از گناهان بزرگ شمرده و در این باره تصریح کرده است که: «لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (۱)

دست به خون بی گناهان نیالائید و نفوس را که خداوند محترم شمرده و ریختن خون آنها مجاز نیست به قتل نرسانند مگر اینکه طبق قانون الهی اجازه قتل آنها داده شده باشد.

همچنین، کشتن یکفر را بدون مجوز قانونی برابر با کشتن همگی مردم دنیا معرفی نموده و در این باره فرموده است: «... من قتل نفسا بغیر ناس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعا» (۲)؛ هر کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنانست که گویی همه انسانها را کشته است. زیرا اولاً کسی که دست به خون انسان بی گناهی می آید در حقیقت چنین امامدگی را

دارد که انسانهای بی گناه دیگری را که با آن مقول از نظر انسانی و بی گناهی برابرنند، مورد حمله قرار دهد و بقتل برساند.

ثانیاً - جامعه انسانی در حقیقت یک واحد بیش نیست و افراد آن همانند اعضاء یک پیکرند. هر لطمه‌ای به عضوی از اعضاء این پیکر برسد اثر آن کم و بیش در سایر اعضاء آشکار می گردد زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و نقصان یک فرد خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعه بزرگ انسانی است.

و نیز قرآن مجید در مقام تشدید و تأکید کثیر قتل، به مرتکب آن چهار نوع مجازات شدید اخروی (علاوه بر مستهل قصاص که مجازات تنبوی است) تعیین کرده است: «و من ینزل موتا متعمدا فجزائه جهنم خالدا قیها و غضب الله علیه و لعنه واعدله عذابا عظیما» (۳)

و به این ترتیب از نظر مجازات اخروی حداکثر تشدید در مورد قتل عمدی شده است به طوری که در هیچ موردی از قرآن این چنین مجازات شدید بیان نگردیده است.

گفته از آیات فراوانی که درباره بیان حرمت انسان وارد شده، در اخبار و احادیث نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است و از آن جمله پیامبر در این باره تصریح کرده است که: «اروا الی النبی ایسر علی الله من قتل المؤمن»

نایدن شدن همگی جهان پیش خدا از کشته شدن یک بی گناه سهلتر است. و نیز فرموده است که: «اول ما یقضی یوم القیامة النمامه» (۵)

نخستین موضوعی که در دادگاه رستاخیز مورد رسیدگی واقع می شود موضوع خونخواهیست. همچنین پیامبر در مقام تهدید از شرکت در قتل فرموده است:

«من لمان علی قتل ولو بشر کلمة جله یوم القیامة و هو ایس من رحمة الله» (۶)

هر کسی که با گفتن نیم کلمه در کشتن مسلمانان همکاری کند در روز قیامت از رحمت خدا نومید خواهد شد.

اسلام از نظر ارزش فوق العاده‌ای که برای

«حق حیات» قائل است با کشتن نوزاد و سقط چنین شدت مبارزه کرده است. آری گاهی اتفاق می افتد که یا بر اثر فقر مالی و یا بر اثر جهالت و تعصبات بیجا، نوزاد توسط خود پدر یا مادر به قتل می رسد. البته این عمل از نظر اسلام عملی ناپسند و جرم بزرگی است. قرآن در این باره فرموده است: «ولا تقتلوا اولادکم خشية املاق نمن نرزقهم و ابایکم» (۷)

فرزندان خود را از بیم فقر و گرسنگی نکشد ما، هم به آنها و هم بشما روزی میدهم» ولی متأسفانه حتی امروزه سقط جنین در بعضی از قوانین غرب دارای مقررات خاصی است و به قول خودشان به منظور حفظ شرافت خود مادر یا خویشان انجام می گیرد. و مجازات سنگینی دارد.

اسلام ابتدای شخصیت حقوقی انسان را از ابتدای نسی شناسد نمی شناسد بلکه همگی مراتب و مراحل پیدایش انسان را از آن زمان که بصورت نطفه برده تا آخرین مراحل کمال زیر نظر گرفته و در هر مرحله بدفاع و حمایت از او پرداخته است و برای نطفه آدمی از همان زمان که به رحم مادر وارد می شود تا آنکه که بصورت «عقده» و «مغز» درمی آید تا وقتی که مبدل به استخوان می شود و تا زمانی که استخوانها با گوشت پوشیده می شود در هر یک از این مراحل برای انسان ارزش قائل است و برای سقط جنین که روح در آن حلول کرده دیه کامل مقرر داشته است. به این معنی همینکه جنین دارای روح شد ارزش یک انسان را دارد و اسلام از او به عنوان یک فرد انسان حمایت میکند و کشتن عمدی جنین طفلی را در رحم مادر، معادل جرم قتل نفس عادی میداند.

خودکشی: از جمله آثار و نتایج حرمت و اهمیت که اسلام برای «حق حیات» قائل شده است اینست که «انتحار» را گناه بزرگی بشمار آورده و قرآن مجید از آن نهی کرده است: «خودکشی نکند زیرا خداوند نسبت بشما

مهربان است و هر آنکس که از سر تعدی و ستم دست به این گناه بیالاید او را در دوزخ جای خواهیم داد» (۸) رسول اکرم (ص) فرمود: شخص مؤمن ممکن است از راههای مختلف از دنیا برود اما هرگز انتحار نمی کند حتی اگر کسی قدرت دفاع و حفظ نفس خود را داشته باشد ولی بدشمن مهلت دهد و از خود دفاع نکند تا آنکه او را بکشد، چنین کسی قاتل خود محسوب می شود.

(۹) امام صادق (ع) فرمود: «من قتل نفسه متعمدا فیهی ناز جهنم خالدا قیها» (۱۰) هر کسیکه خود را بکشد، همیشه در آتش جاودانه خواهد بود.

قوانین کیفری اسلام علاوه بر اینها برای تباه کردن و از کار انداختن هر یک از اعضاء به نسبت ارزش و اهمیت وظیفه‌ای که در نظام عمومی بدن، انجام میدهد، کیفری متناسب تعیین کرده است. مثلا اگر کسی کاری کند که یکی از اعضاء زوج بدن کسی مانند چشم، گوش، دست و پا از کار بیفتد باید نصف خونهای کامل را بپردازد و اگر هر دوی آنها را از بین ببرد تمام دیه را باید بدهد و اگر کسی کاری کند که زبان کسی از کار بیفتد و یا شامه و هر عضو فردی از بین برود، مسئول پرداخت تمام دیه است.

اسلام دقت را در این مرحله بجای رسانده که اگر کسی کاری کند که موجب ریزش موی سر کسی شود بطوریکه دیگر مو بیرون نیاید، معادل تمام خونهای را بایستی بپردازد.

(۱) سوره انعام آیه ۱۵۱

(۲) سوره مائده آیه ۳۲

(۳) سوره نساء آیه ۹۳ - ۱ - خود در دوزخ

۲- خداوند بر او غضب میکند ۳- از رحمتش او را دور می سازد ۴- عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است (واعده عذابا عظیما) (۴) و (۵)

امالی شیخ طوسی (۶) وسائل الشیمه ج ۹/۱۹

(۷) سوره اسراء آیه ۳۱

(۸) سوره نساء آیه ۲۹ - ۹ - وسائل الشیمه ج ۱۴/۱۳/۱۹